

سیره مسلمانان در بنای بر قبور (با تأکید بر حرم بقیع)

داود حسینی^۱

چکیده

ساخت بنا بر قبور از موضوعات چالش برانگیز بین مسلمانان با فرقه وهابیت است. بیشتر مسلمانان ساخت بنا روی قبور را جایز می‌دانند و روی قبور بزرگان خود بنا ساخته‌اند، اما وهابیان بنای بر قبور را شرک و تخریب آن را لازم می‌دانند. قائلین جواز بنای قبور علاوه بر ادله نقلی، به سیره مسلمانان از صدر اسلام تا امروز تمسک کرده‌اند، سیره‌ای که متصل به عصر پیامبر خدا، معصومین علیهم‌السلام، صحابه و تابعین است. این سیره اختصاص به مذهب خاصی ندارد، بلکه با یک بررسی از قبور بعضی از صحابه، تابعین، ائمه اهل سنت، علمای برجسته و شخصیت‌های بزرگ آنان می‌توان دریافت که از گذشته‌های دور روی قبور آنان بنا ساخته‌اند و ضریح نصب کرده‌اند. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موردی و تاریخی قبور شخصیت‌های بزرگ اهل سنت، آثار موجود بر قبور آنان و تاریخ ایجاد این بناها می‌پردازیم و این حقیقت را روشن می‌سازیم که سیره مسلمین - اعم از شیعه و سنی - بر این بوده است که برای تعظیم بزرگان خود آنان را در مکانی مسقف دفن می‌کرده‌اند یا روی قبور آنها بنا می‌ساخته‌اند.

کلید واژه‌ها: قبور، تخریب قبور، سیره، صحابه، تابعین

از جمله موضوعات اختلافی مسلمانان با وهابیان، موضوع بنای بر قبور است. سیره مسلمانان در طول تاریخ بر این بوده است که روی قبور بزرگان خود بنا می‌ساختند و بر اساس کتاب وسنت این عمل را مستحب یا حداقل جایز می‌دانستند. ولی از زمان ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم مخالفت با این سیره مسلمین شروع شد و او ساختن بنا و گنبد بر قبور را از مظاهر شرک معرفی کرد. با شکل‌گیری حکومت آل سعود و رونق تفکر وهابیت در شبه جزیره عربستان این عقیده دوباره زنده شد و به حدی اوج گرفت که سردمداران این فرقه با فتواهایی که از بعضی علما گرفتند، به تخریب بناهای روی قبور دستور دادند و تمام بناهای ساخته شده بر قبور اجداد پیامبر ﷺ، اهل بیت آن حضرت، همسران و اصحاب ایشان را در سرزمین حجاز ویران کردند. آنها با حمله به کربلا حرم اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را غارت و ویران کردند و چوب‌های ضریح آن حضرت را سوزاندند و با این اعمال جاهلانه آثار ثبوتی و اثباتی بعضی شخصیت‌های جهان اسلام را، که پیشینه تاریخ اسلام محسوب می‌شدند، از بین بردند.

۱. مفهوم‌شناسی

الف) سیره در لغت و اصطلاح

راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته که انسان یا غیرانسان بر آن حالت باشد. (راغب اصفهانی، ۱۹۹۷م، ذیل واژه «سیره») طریحی نیز سیره را به طریقه، هیئت و حالت معنا کرده است. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ذیل واژه «سیره»)

ابن منظور می‌گوید: سیره از کلمه «سیر»، به معنای «رفتن» است و خود کلمه «سیره» به معنای روش، رفتار، سنت، طریقت و هیئت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق،

ج ۶، ص ۳۹۹)

ابن فارس می‌گوید: «سیره» اصلی است که دلالت بر گذشت و جریان دارد و از «سار، یسیر، سیراً» و «سیر» به معنای سیر در روز و شب است. «سیره» روش در چیزی و به معنای سنت است؛ زیرا حرکت می‌کند و جریان می‌یابد. (ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰)

کلمه «سیره» اسم مصدر از ماده «سیر» و برون «فعله» است که در زبان عربی بر نوع دلالت می‌کند؛ برای مثال «جلسه» به معنای نشستن، ولی «جلسه» به معنای سبک و نوع نشستن است؛ بنابراین «سیر» یعنی رفتار، ولی «سیره» یعنی نوع و سبک رفتار.

سیره در اصطلاح به معنای استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم برانجام دادن کاری یا ترک عملی است. اگر مراد از مردم (ناس) همه عقلا باشد، این سیره را «سیره عقلا» و اگر همه مسلمین یا پیروان مذاهب یا گروهی خاص از مسلمانان باشد، آن را «سیره متشرعه» می‌نامند. (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۹)

ب) بنای بر قبور

بنا و ساخت و ساز روی قبور از گذشته‌های دور

بنای بر قبور به دلیل طرح مباحث فراوان فقهی، کلامی و تاریخی درباره آن، به یک اصطلاح تبدیل شده است.

اصطلاح «بنای بر قبور» شامل هر نوع ساخت و ساز روی قبور - از جمله قُبّه (گنبد)، بقعه (بارگاه)، ضریح، مسجد و سقف می‌شود و حتی به نظر برخی شامل قرار دادن سنگ در اطراف قبر هم می‌گردد.

با توجه به دیدگاه قائلین به عدم جواز بنا و ادله و حکمت‌های ارائه شده، قول به جواز بنا و عدم آن شامل ابقای بنای موجود پیش از دفن و نیز ساخت بنای

جدید برقبور می‌شود. (الغماری، ۱۴۲۹ق، صص ۳۷-۳۵) در این فرض مسئله «بنای برقبور» شامل بحث از حکم شرعی ابقای بنای موجود برقبور و نیز ساخت بنای جدید است.

۲. پیشینه بنای برقبور در اسلام

بنا و ساخت و ساز روی قبر در واقع نوعی علامت و نشانه‌گذاری برای یادآوری و جلوگیری از فراموشی است؛ به تعبیر دیگر: بنای یادبود یا یادمان برای یادسپاری اشخاص ویژه یا رویداد مهم در حافظه انسان‌هاست. این یادسپاری و یادآوری در همه ادیان وجود داشته و در آیین اسلام هم برای پاس داشت شخصیت‌های برجسته مسلمانان، به بنای برقبور آنها توجه می‌شده است. در این قسمت به بررسی بنای برقبور در عصرهای مختلف می‌پردازیم:

الف) در عصر پیامبر خدا ﷺ

طبق روایات تاریخی بخشی از جنة البقیع را پیامبر ﷺ به مهاجرین دادند تا برای خود خانه بسازند. این خانه‌ها بعدها به آرامگاه خانوادگی یا محل دفن شخصیت‌های مهم تبدیل شد. (سمهودی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۸۳) یکی از این خانه‌ها خانه عقیل بن ابی طالب بود. بنا بر نقل بعضی از مورخین، فاطمه بنت اسد^۱ در خانه عقیل (ابتدای بقیع) دفن شد (سمهودی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۹۲؛ ابن شبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۷) و به تدریج این خانه به مقبره اختصاصی بنی‌هاشم در قبرستان بقیع تبدیل شد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۱) و در تاریخ اسلام به قبر فاطمه معروف بوده است. (سمهودی، ۱۴۲۲ق-۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۳) همچنین در حیات پیامبر خدا ﷺ، مقارن

۱. وفات فاطمه بنت اسد در سال چهارم و بنا بر قولی در سال ششم هجرت اتفاق افتاده است.

با صلح حدیبیه اولین بنا یا مسجد روی قبر ابوبصیر به دست ابو جندل ساخته شد و پیامبر خدا ﷺ با وجود اطلاع از این اقدام، از آن کار جلوگیری نکرد. (واقعی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷)

ب) در عصر صحابه

یک- دفن پیامبر خدا ﷺ در خانه خودش

پیامبر خدا ﷺ کنار دیوار شرقی مسجدالنبی حجره داشت. از این حجره دری به داخل مسجد باز می شد و از در دیگر به بیرون راه داشت. پیامبر اکرم ﷺ تا آخر عمر در آن حجره سکونت داشت و سرانجام در همان حجره رحلت کرد و در همان جا به خاک سپرده شد. روایات اهل سنت حکایت از آن دارد که پیامبر خدا ﷺ در حجره عایشه به خاک سپرده شد. (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۲۲۸؛ ابن سعد، ۱۹۶۷م، ج ۲، ص ۲۳۲) بنا بر بعضی از روایات و منابع پیامبر خدا ﷺ دارای حجره مخصوص بوده (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۳؛ النسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۹) و با استناد به مصادر اهل سنت وفات پیامبر خدا در حجره اختصاصی و در منزل خود آن حضرت بوده است. (ابن حجر، ۱۳۷۹ق، ج ۷، ص ۲۳؛ ابن حبان، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۵۵)

در هر صورت پیامبر خدا ﷺ در یکی از حجره های خود دفن شد. در باره علت انتخاب حجره و دار مسقف، وهابیان روایتی را از طریق عایشه از پیامبر ﷺ نقل می کنند که علت دفن حضرت در خانه مسکونی اش این بود که قبر پیامبر مسجد قرار نگیرد و در دسترس مردم نباشد، بنابراین حضرت وصیت کرد که در حجره مسکونی اش دفن شود. حدیث یاد شده بدین صورت است:

عن عائشة قالت: «قال النبي ﷺ في مرضه الذي لم يقم منه: لعن الله اليهود اتخذوا

قبور انبیائهم مساجد. قالت عائشة: لولا ذلك لابرز قبره، خشی ان یتخذ مسجدا»
(ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۴۱، ص ۵۸)

عایشه می گوید: پیامبر ﷺ در آن بیماری که به دنبال آن از دنیا رفت، فرمود: لعنت خدا بر یهود که قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند. عایشه افزود: اگر این ملاحظه نبود، پیامبر قبر خود را آشکار می کرد، اما ترسید قبرش را مسجد قرار دهند.

اما این ادعا که پیامبر خدا ﷺ برای آنکه قبرش مسجد و بت قرار نگیرد، در خانه اش دفن شد، سخن پیامبر خدا نیست، بلکه برداشت عایشه است. ابن تیمیه با استناد به برداشت عایشه - که گفت: «لولا ذلك لابرز قبره، خشی ان یتخذ مسجدا»؛ «اگر این ملاحظه نبود پیامبر قبرش را آشکار می کرد» - حکم به حرمت ایجاد بنا بر قبور کرده است.

این حدیث را مسلم (۲۰۶-۲۶۱ق) در صحیح خود از طریق دیگر از عایشه بدین صورت نقل کرده است:

قال رسول الله ﷺ في مرضه الذي لم يقم منه: لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد، قالت فلولا ذلك لابرز قبره غير انه خشی ان یتخذ مسجدا. (مسلم ابن حجاج، ۱۳۲۹ق، ج ۲، ص ۶۷)

بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق) این حدیث را در صحیح خود در کتاب «جنائز» نیز نقل کرده و در آخر آن سخن عایشه بدین صورت اضافه شده است:

ولولا ذلك لابرزوا قبره غير اني اخشى ان یتخذ مسجدا. (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۳)
اگر این ملاحظه نبود، مسلمین قبر پیامبر خدا ﷺ را آشکار می کردند ولی من می ترسم آن را مسجد قرار دهند.

اگر مدرک و دلیل دفن پیامبر در اتاق مسکونی آن حضرت را این حدیث قرار دهیم، موضوع هیچ ارتباطی با پیامبر نخواهد داشت؛ زیرا این عایشه است که می‌گوید: می‌ترسم قبر پیامبر را مسجد قرار دهند، نه پیامبر! از طرف دیگر اظهار نظر منقول از عایشه، با احادیث شیعه و احادیث اهل سنت سازگار نیست. ابن ماجه (۲۰۹ - ۲۷۳ق) علت انتخاب محل دفن پیامبر خدا ﷺ را چنین نقل می‌کند:

مسلمانان در تعیین محل قبر پیامبر ﷺ اختلاف کردند: گروهی گفتند: در مسجدش دفن شود، گروهی گفتند: با اصحابش دفن شود. ابوبکر گفت: از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: «هر پیامبری، هر جا که از دنیا رفت، در همان جا دفن می‌شود»؛ از این رو بستر پیامبر را، که در آن درگذشته بود، بلند کردند و در محل آن قبر کردند و به خاک سپردند. (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۲، ص ۲۲۳)

«مالک» خادم پیامبر خدا ﷺ روایت می‌کند که پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفت. گروهی گفتند: نزد منبر دفن شود، دیگران گفتند: در بقیع دفن شود، ابوبکر آمد و گفت: از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: «هر پیامبری در همان محلی که فوت کرده، دفن می‌شود»؛ پس در همان جا برای حضرت قبر کردند. (همانجا)

البته این روایت در منابع اهل سنت با تعابیر مختلف نقل شده است.

این معنا در کتب و احادیث شیعه نیز آمده است: مرحوم شیخ طوسی روایت می‌کند:

هنگامی که پیامبر ﷺ درگذشت، خاندانش و کسانی که از اصحاب او حاضر بودند در تعیین محلی که سزاوار است پیامبر ﷺ در آن دفن شود، اختلاف کردند؛ بعضی گفتند: در بقیع دفن شود، بعضی دیگر گفتند: در صحن

مسجد دفن شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

خداوند پیامبر را در پاک ترین نقاط قبض روح کرده است، پس سزاوار است در همان بقعه ای که در آن درگذشته است، دفن شود. این سخن را پذیرفتند و در نتیجه جسد پیامبر در حجره اش به خاک سپرده شد. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۰)

این اسناد و شواهد گواهی می دهد که در انتخاب محل دفن پیامبر سخن از مسجد قرار گرفتن قبر او در میان نبوده و خود حضرت چیزی در این باره نفرموده است. چگونه اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خلیفه اول، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در مکان مسقف دفن کردند و هیچ کس قائل به شرک بودن این عمل نشده است، اما ابن تیمیه و شاگردان او متوجه شرک بودن آن شدند!

دو- تعمیر بنای قبر پیامبر صلی الله علیه و آله توسط خلیفه دوم

بنای موجود بر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بارها تخریب شد و توسعه پیدا کرد. اولین بار عمر بن خطاب دیواری کنار قبر حضرت ساخت و آن را از محل زندگی عایشه جدا کرد. (سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ امین، ۱۳۸۲ق، صص ۳۱۷-۳۱۶)

ج- توسعه و بازسازی بنای قبر پیامبر صلی الله علیه و آله در عصر امویان و عباسیان

یک- بازسازی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله

ولید بن عبدالملک (حکومت: ۸۶-۹۶ق) با هدف توسعه محل دفن حضرت، خانه ایشان را خراب کرد و در تجدید بنا محوطه اطراف خانه را به آن اضافه و در انتها حجره ایشان را با سنگ رخام تزیین کرد. در دوران حکومت متوکل (۲۲۸-۲۴۲ق) و حکومت مستعصم (۶۴۰-۶۵۶ق) نیز این حجره تجدید بنا شد. در سال ۶۵۶ قمری با مصالحی که از سوی ملک منصور ایبک صالحی (حکومت:

۶۵۵-۶۵۷ق) (امیر مصر)، ارسال شده بود، مرقد پیامبر اکرم ﷺ تعمیر و تزئین شد و اولین گنبد به نام «قبة الزرقاء» روی حجره حضرت ساخته شد. در سال‌های ۷۶۵، ۸۵۲، ۸۸۱، ۸۸۶ و ۸۹۱ قمری نیز خلفای بنی عباس و عثمانی تجدید بنا کردند و گنبدهایی روی آن ساختند. (سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ امین، ۱۳۸۲ق، صص ۳۱۶-۳۱۷) در همه این ساخت و سازها هیچ فقهی از مذاهب مختلف مدعی شرک بودن بنای بر قبر شریف رسول الله ﷺ بعد از تخریب نشد.

دو- ساخت بنا بر قبر صفیه بنت عبدالمطلب

صفیه بنت عبدالمطلب (مادر زبیر بن عوام و عمه پیامبر خدا ﷺ) کنار خانه مغیره بن شعبه (کنار بقیع) دفن شد، بعد از تجدید بنای خانه مغیره بن شعبه، این قبر داخل خانه مغیره واقع شد و بنایی جدید روی آن ساخته شد. (سبحانی، بی تا، صص ۱۲۷-۱۲۶)

سه- بازسازی و مرمت قبور امامان و بزرگان



(حرم ائمه مدفون در بقیع و عباس عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد و در کنار آن حرم زوجات

نبی ﷺ و حرم عقیل و عبدالله جعفر

خانه عقیل در قبرستان بقیع، که در زمان پیامبر خدا فاطمه بنت اسد در آن دفن شد، به تدریج به مقبره اختصاصی بنی هاشم در قبرستان بقیع تبدیل شد (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۱) عباس عموی پیامبر در سال ۳۲ هجری و امام حسن در سال چهل هجری از دنیا رفتند و در خانه عقیل به خاک سپرده شدند. (ابن زبale، ۲۰۰۳م، ص ۲۰۸؛ سمهودی، ۱۳۷۴ق، ج ۳، ص ۲۷۴؛ فاسی، ۲۰۱۴م، ص ۴۸۸) بعد از آن پیکر سه تن دیگر از فرزندان پیامبر خدا ﷺ نیز در این خانه به خاک سپرده شد. (ابن نجار، ۲۰۰۶م، ص ۱۵۳)

ابن اثیر از ارسال معماری به مدینه از سوی مجدالملک قمی در سال های ۴۸۵ تا ۴۸۶ قمری برای تعمیر و مرمت قبه مزار چهار تن از امامان و عباس بن عبدالمطلب خبر می دهد؛ (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۶۰) همچنین ساخت بنای یک چهارتاقی روی قبر عثمان بن مظعون و صحابه معروف حضرت رسول ﷺ در قبرستان بقیع، از خدمات مجدالملک است. (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۶؛ الامین، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۹؛ قمی، ۱۹۷۰م، ج ۲، ص ۶۷؛ راوندی، ۱۳۶۴ش، صص ۱۹-۱۸)

این بناها را در عصرهای مختلف جهانگردانی مانند: ابن جبیر (ابن جبیر، ۱۹۸۶م، صص ۱۷۴-۱۷۳)، ابن نجار (ابن نجار، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶۳)، خالد بن عیسی (ابن عیسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۸)، ابن بطوطه (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵) و چلیپی (چلیپی، ۱۹۹۹م، صص ۱۵۰-۱۴۹) گزارش کرده اند.

شواهدی نیز وجود دارد که نشان می دهد قبل از سال ۹۴ قمری بنایی بر قبر ابن عباس وجود داشته است. (شبلنجی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸) همچنین مورخین تصریح کرده اند که در سال ۸۵ یا ۸۶ ق مأمورین ولید حسن مثنی را به قتل رساندند و فاطمه دختر امام حسین ﷺ جنازه همسر خود (حسن مثنی) را در قبرستان بقیع

به خاک سپرد. (ابن عنبه، بی تا، ص ۱۰۰) بخاری در صحیح خود روایت می کند که فاطمه بر مزار حسن مثنی بقعه ای ساخت. (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۵۵)

۳. حفظ مقامات انبیا در شامات

الف- حفظ بنای قبر ابراهیم، اسحاق و یعقوب



در زمان خلیفه دوم شامات، مصر و فلسطین به دست مسلمین فتح شد. روی قبور انبیا در این سرزمین ها بناهایی وجود داشت. هیچ یک از صحابه و تابعین تصور شرک بودن بناهای موجود بر قبور انبیا را به ذهن خود راه ندادند و به تخریب آنها اقدام نکردند. این موضوع نشان می دهد که بنای بر قبور نه قبل از اسلام و نه در نگاه مسلمانان صدر اسلام امری مذموم نبوده است. قبر ابراهیم خلیل علیه السلام (یعقوبی، بی تا، ص ۱۵۲؛ مقدم، ۱۳۸۲ش، ص ۶۹)، ساره همسر ابراهیم خلیل الله (حرزالدین، ۱۳۷۱ش، ج ۲، صص ۶-۳۷۴؛ رسولی محلاتی، بی تا، ص ۱۶۵؛ عمادزاده، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۱۹)، قبر اسحاق علیه السلام فرزند ابراهیم علیه السلام و قبر یوسف پیامبر در شهر الخلیل دارای بناهای

بلندی بودند. (مسعودی، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۶؛ ابن تیمیّه، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۳۱) مسلمانان همه بناهای موجود بر این قبور را حفظ کردند و هیچ‌یک از صحابه و تابعین حکم به مظهر شرک بودن این بناها نکردند.



حرم و ضریح موجود بر قبر حضرت ابراهیم عليه السلام

حضرت سلیمان نبی عليه السلام به فرمان خداوند، قلعه‌ای مستحکم در اطراف مزار حضرت ابراهیم عليه السلام بنا نهاد. (علیمی، ۱۹۶۸ م، ص ۵۵) در زمان امپراتور روم (بوسنی نیلوس) (۵۲۷ - ۵۸۵ م) برفراز آرامگاه ابراهیم عليه السلام و خانواده اش کلیسایی بنا نهاده شد، اما ظاهراً به دست ایرانیان یا مسلمانان ویران شد. در زمان مهدی عباسی (۶۹-۸۵ ق) سقف حرم و گنبد های آن بنا شد. در سال ۵۶۷ قمری (۱۱۷۲ م) که شهر به دست مسیحیان صلیبی افتاده بود، در مکان حرم شریف ابراهیمی کلیسای بزرگی ساخته شد. سپس صلاح‌الدین آیوبی پس از پیروزی در جنگ حطین (۵۸۲ ق / ۱۱۸۷ م) الخلیل را گشود و کلیسا را به مسجد تبدیل کرد. در دوره حکومت ممالیک، به خصوص بنی‌بُزس بُندُقداری (۶۵۹ - ۶۷۸ ق)، بسیاری

از قسمت های مسجد تجدید بنا شد. سلطان دیگری از ممالیک به نام محمد بن قلاوون (۶۹۳-۷۴۱ق) حرم ابراهیمی را گسترش داد (هارون و هومن، ۱۳۸۳ش، صص ۵۸۶ - ۵۸۵)، خرابی های آن را تعمیر کرد و سنگ تعمیری با تاریخ سال ۷۲۳ قمری بر آن به یادگار گذاشت. (همانجا)

ناصر خسرو نیز در سال ۴۱۵ شمسی (۴۳۸ق) حرم الخلیل را چنین توصیف کرده است:

مَشهد [الخلیل] چهار دیواری است از سنگ تراشیده ساخته و بالای آن هشتاد آرش در پهنای چهل آرش [و] ارتفاع دیوار بیست آرش [و] سردیوار دو آرش ثخانت (ضخامت) دارد... و در این مشهد، زمین و دیوار را به فرش های مغربی آراسته [اند]؛ چنان که از دیبا نیکوتر بود... چون از مقصوره بیرون روند... دو خانه است؛ هر دو مقابل قبله. آنچه بردست راست است، اندر آن قبر ابراهیم خلیل صلوات الله علیه - است و آن خانه ای بزرگ است و در اندرون آن خانه ای دیگر است که گرد او برنتوان گشت. چهار دریچه دارد که زائران... از هر دریچه قبر را می بینند و خانه را زمین و دیوار... فرش های دیبا گرفته است و گوری از سنگ برآورده [اند] به مقدار سه گز و قندیل ها و چراغ دان ها [ی] نقره گین بسیار آویخته و آن خانه دیگر که بر دست چپ قبله است، اندر آن گور ساره است که زن ابراهیم علیها السلام بود و میان هر دو خانه، رهگذری [است]... چون دهلیزی و آنجا نیز قنادیل و مسرجه های بسیار آویخته [است]. (ناصر خسرو، ۱۳۵۳ش، ص ۱۵۳)

ابن بطوطه در سفرنامه اش در سال ۷۲۶ قمری حرم ابراهیم را این گونه توصیف کرده است: «... در داخل مسجد غاری است مکرم و مقدس که قبور ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم السلام در آن است و روبه روی آن سه قبر دیگر که قبور زوجات آن پیغمبران است. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵)

ب) قبر یحیی بن زکریا علیه السلام



(بنای موجود بر قبر رأس مقدس یحیی بن زکریا علیه السلام در مسجد جامع دمشق)

هنگامی که سوریه و دمشق به دست مسلمانان فتح شد، قبر سر مقدس حضرت یحیی فرزند ذکریای نبی میان کلیسا قرار داشت. مسلمانان آن را به مسجد تبدیل کردند و در آن نماز می خواندند، ولی هیچ کس متعرض قبر و ضریح یحیی علیه السلام نشد، به باطل بودن نماز کنار قبر او فتوا نداد و فاتحان از خلیفه استفسار نکردند که آیا این بنا روی این قبر باقی بماند؟ و آیا قبرهای انبیا که در این مکان ها قرار دارند، تخریب و با زمین مساوی شوند یا خیر؟

از زید بن واقد، که سرپرست ساختمان و بنای جامع دمشق در دوره ولید بود، نقل شده است:

من به هنگام کار در جامع اموی شکافی در دیوار یافتم و به ولید بن عبدالملک گزارش دادم. او آمد و آن را بررسی کرد. در داخل آن شکاف، صندوقی بود، وقتی آن را گشودیم، در داخل یک سبد سری بریده یافتیم. روی

آن سبد نوشته شده بود: «هذا رأس يحيى بن زكريا». ولید فرمان داد آن را بر جای خود گذاشته، ستون‌هایی بر آن قرار دادیم. (ابن حورانی، ۱۹۸۱م، ص ۱۶ و ۱۷؛ نعیمی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۰)

۴. ایجاد بنا و نصب ضریح بر قبور بزرگان صحابه و علما در سیره مسلمانان

مسلمانان برای تجلیل از اصحاب پیامبر خدا ﷺ و حفظ آثار آنان روی قبور ایشان بناهایی ساخته‌اند که در طول قرون متمادی مورد تجدید بنا و بازسازی شده است. در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) قبر سلمان فارسی



حرم سلمان فارسی در مدائن و ضریح موجود بر قبر ایشان

سلمان فارسی صحابی جلیل‌القدر پیامبر خدا ﷺ در زمان خلیفه دوم به استانداری مدائن انتخاب شد. او با مشورت امیرالمومنین علیه السلام عازم مدائن شد و مدتی در این شهر حضور داشت و بنا بر قول مشهور مورخین در همین شهر از دنیا رفت و در همین شهر به خاک سپرده شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۵) تاریخ درگذشت سلمان در منابع مختلف روایی و تاریخی یکسان نیست؛

در برخی از منابع سال ۳۵ یا ۳۶ قمری به عنوان سال وفات او ثبت شده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۹) و در برخی گزارش‌ها زمان درگذشت او را دوران خلافت عمر دانسته‌اند. (ابن عساکر، ۱۴۰۶ق، ج ۲۱، ص ۴۵۹-۴۵۸) مهاجرانی با بررسی روایات مختلف سال ۳۳ قمری را سال وفات او می‌دانند. (مهاجرانی، ۱۳۸۷ش، ص ۶۳) وی در مدائن، در نزدیکی ایوان کسرا، به خاک سپرده شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۵) دوست داران او بر قبرش بنائی برپا کرده‌اند و ضریح قرار داده‌اند و شیعه و سنی او را زیارت می‌کنند. اگرچه در باره اولین بنایی که روی قبر او ساخته شد اطلاعی در دست نیست، ولی می‌توان حدس زد که اولین آثار در زمان آل بویه (۳۲۲ - ۴۴۸ق) بنا شده باشد؛ زیرا آنان به خاطر محبت به اهل بیت، نسبت به قبور اهل بیت و اصحاب آنان اهتمام ویژه‌ای داشتند. (الخوند، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۲۳)

در حرم سلمان مقبره حذیفه بن حِسل یا حُسَیل بن جابر، صحابه پیامبر خدا ﷺ نیز وجود دارد. حذیفه مدتی کارگزار مدائن بود و بنا بر نقل برخی مورخین مکان وفاتش مدائن است. (واقدی، ج ۱، ص ۳۸۴) اما برخی دیگر کوفه را محل دفن او دانسته‌اند. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ص ۹۸)

بنا بر بعضی نقل‌ها حذیفه در سال ۳۶ قمری در مدائن درگذشت. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۳۵) او ابتدا در فاصله دو کیلومتری قبر سلمان و کنار رودخانه دجله دفن شده بود. در سال ۱۹۳۱ میلادی آب رودخانه دجله به قبروی نزدیک شد؛ به همین دلیل آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی دستور داد که جسد وی به جای امنی منتقل شود. بنابراین تصمیم گرفته شد که بدن او به حرم سلمان رضی الله عنه منتقل شود، هنگامی که قبر باز شد، مشاهده کردند که جسد وی پس از سیزده قرن همچنان سالم است. (مصاحبه هادی الجبوری، تولیت مقبره سلمان فارسی)

ب) قبر ابو عبیده جراح



قبر ابو عبیده جراح در کشور اردن

ابو عبیده عامر بن عبدالله بن جراح از مسلمانان صدر اسلام است که به پیامبرایمان آورد و به حبشه هجرت کرد. (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۷۷؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۴۱۰؛ بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۲، ص ۳۴۶) او در فتح شامات حضور داشت و در سال هفده یا هیجده هجرت در شامات بر اثر طاعون از دنیا رفت. (ازدی، ۱۹۷۰م، ص ۲۶۷؛ بلاذری، ۱۹۵۶م، ج ۱، ص ۱۶۵؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶ق، صص ۳۲۲-۳۱۹) قبر او هم اکنون در اردن قرار دارد. (ازدی، ۱۹۷۰م، ص ۲۶۷؛ ابوزرع، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ابن اعثم، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ابونعیم، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۰) روی قبر او بنایی ساخته شده است. قبر او نزدیک به یک متر از زمین بالا آمده و سنگ قبر زیبایی روی آن قرار داده اند.

ج) قبر ابوهریره در طبریه شام



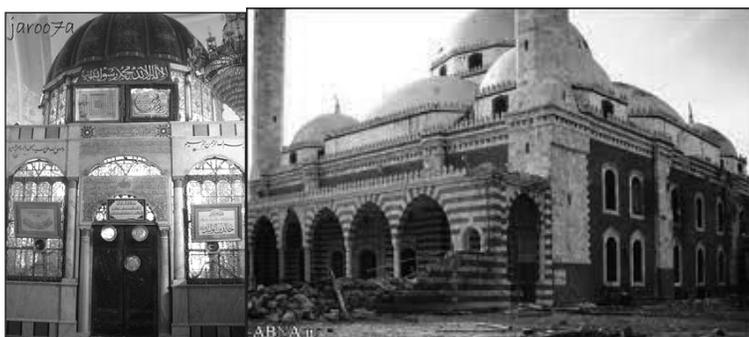
از جمله نام‌های ابوهریره در دوران جاهلیت، عبد شمس و عبد غنم و از نام‌های دوران اسلامی او، عبدالله و عبدالرحمان از شهرت بیشتری برخوردارند. (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۸۶؛ ابن حجر، ۱۳۲۸ق، ج ۴، ص ۲۰۴)

قول مشهور درباره وفات ابوهریره سال ۵۹ قمری است؛ همان‌گونه که ابن سعد نیز تصریح کرده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۳۲۹) نمازگزاردن او برپیکر عایشه در رمضان ۵۸ قمری این قول را تقویت می‌کند که تاریخ مرگ او در این سال بوده است. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، صص ۳۴۱-۳۴۰) برخی از منابع سال ۵۷ و ۵۸ قمری را سال مرگ ابوهریره و در مدینه دانسته‌اند. (ابن خیاط، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۲؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۱ق، ج ۴، ص ۱۷۷؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶ق، ج ۶۷، ص ۳۰۸؛ بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۴۲۰؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۸، ص ۷۶) وی در قصر خود در وادی عقیق، از بیلاق‌های مدینه و دره‌ای در غرب این شهر، درگذشت و جنازه او را به مدینه آوردند. گفته شده ولید

بن عتبه بن ابی سفیان، امیر مدینه، براو نماز خواند و او را در بقیع به خاک سپردند.
(ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۱۱۴)

اما به گفته ناصر خسرو قبر ابوهریره در طبریه شام است و روی قبر او بنایی ساخته شده و قبر از سطح زمین بالا آورده شده است. (ناصر خسرو، ۱۳۵۳ش، ص ۳۰) همان طور که ملاحظه می شود برای قبری که مشکوک به قبر ابی هریره است، مسلمانان بنا ساخته اند و آن را از سطح زمین مرتفع کرده اند.

د) قبر و مسجد خالد بن ولید در حمص



مسجد و بنای قبر خالد بن ولید در حمص

خالد بن ولید بن مُغیره بن عبدالله بن عمر (عُمَیر) بن مخزوم قرشی مخزومی (م ۲۱ یا ۲۲ق) از خاندان بنی مخزوم قریش بود. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۳۹۴؛ زبیری، ۱۹۵۳م، ص ۳۲۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۲۷؛ شلبی، ۱۹۳۳م، صص ۲۴-۲۰) او در جنگ بدر (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۳۹۴)، احد (ابن اسحاق، ۱۴۰۱ق، ص ۳۰۵؛ واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۱، صص ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۷۵ و ۲۸۳؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۹۱، ۷۰) و احزاب (واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۲، صص ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۳ و ۴۹۰) از فرماندهان سپاه کفر بود و در صلح حدیبیه مانع از ورود پیامبر خدا به مکه برای انجام دادن عمره شد. (واقدی، ۱۹۸۹م، ج ۲، صص ۵۸۲-۵۷۹؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، صص ۳۲۳-۳۲۲) وی در

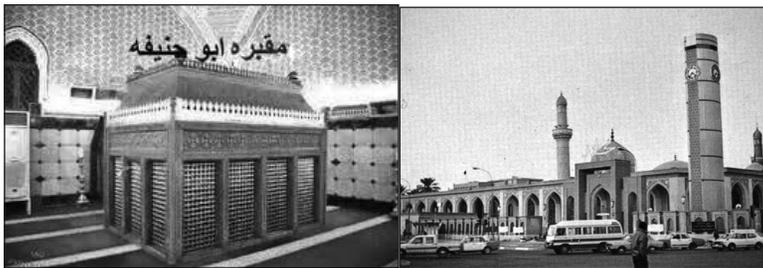
سال هشتم هجرت، قبل از فتح مکه مسلمان شد. (واقعی، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۶۶۱؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۳، صص ۲۹۱-۲۹۰؛ ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۴، ص ۲۵۲)

خالد بن ولید بنا بر روایاتی پس از استعفا یا برکناری او به دست عمر از حکومت بخشی از شامات، به مدینه رفت، وی پس از مدتی بیمار و در همان جا درگذشت و عمر در تشییع جنازه اش شرکت کرد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۲۷۰؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۱) بنا بر روایت دیگری که مشهورتر است، پس از معزول شدن در حِمص در انزوا زیست و بنا بر قول مشهورتر در سال ۲۱ و به قولی ۲۲ هجرت در آنجا درگذشت (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۳۹۷؛ بلاذری، ۱۴۱۳ق، صص ۱۷۳-۱۷۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴، صص ۱۴۴ و ۱۶۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۲۰) و در حومه شهر حمص به خاک سپرده شد. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۷، ص ۳۹۷؛ بلاذری، ۱۹۶۹م، ج ۸، ص ۳۲۰؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۷)

هم اکنون روی قبر او ضریح بزرگی گذاشته اند و مسجدی با هفت گنبد و یک مناره روی قبر او ساخته شده است.

۵. ایجاد بنا بر قبور ائمه اهل سنت

الف) ساخت بنا بر قبر ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ق)



مقبره ابوحنیفه و ضریح موجود روی قبر او

ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی (۸۰-۱۵۰ق)، فقیه و متکلم بزرگ اهل سنت و پایه‌گذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است.

در آخرین روزهای زندگی ابوحنیفه، منصور او را به بغداد فراخواند و به دلیل حمایت او از قیام ابراهیم نفس زکیه وی را به زندان انداخت. (جعفری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۲۶) او پس از مدت کمی در زندان درگذشت. (گیلانی بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، صص ۴۵۰ و ۴۵۲؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۵، صص ۴۱۴ و ۴۱۱) زفر بن هذیل معتقد بود که در زندان به ابوحنیفه زهر خوراندند (گیلانی بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۴۵۲) و او مسموم از دنیا رفته است. پیکر ابوحنیفه پس از آنکه حسن بن عماره بجلی، محدث کوفی، بروی نمازگزارد، در قبرستان خیزران بغداد دفن شد. (گیلانی بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۴۵۲؛ ابن ندیم، ۱۳۹۴ش، صص ۲۵۵ و ۲۵۶)

می‌توان مقبره ابوحنیفه را کنار مقبره عبدالقادر گیلانی، دو زیارتگاه مهم اهل سنت در بغداد به شمار آورد. درباره زمان ساخت بنای اولیه قبر ابوحنیفه اطلاع دقیقی در دست نیست. اما ابن جوزی نوشته است که تا پیش از ورود سلجوقیان به بغداد سایبانی بر قبر ابوحنیفه وجود داشت که یکی از امرای ترکمان آن را ساخته بود. در سال ۴۵۹ قمری شرف‌الملک ابوسعید مستوفی، از رجال سلجوقی، بنای قبلی را خراب کرد و روی قبر ابوحنیفه گنبد و کنار آن مدرسه‌ای برای تدریس فقه حنفی بنا کرد. (ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، صص ۱۰۱ و ۱۰۰)

این زیارتگاه در دوره عثمانی، کانون توجه سلاطین عثمانی بوده و بنای آن بارها بازسازی شده است؛ از جمله در سال ۹۴۱ قمری به دستور سلطان سلیمان قانونی (خطیب عمری، ۱۹۶۸م، ص ۴۵) و در سال ۱۰۴۸ قمری به دستور سلطان مراد عثمانی بازسازی شده است. (خطیب عمری، ۱۹۶۸م، ص ۶۱)

ب) مقبره مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ق)



قبر مالک بن انس در قبرستان بقیع بعد از تخریب

ابوعبدالله مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر بن عمرو بن حارث حمیری اصبیحی مدنی در سال ۹۳ (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۷۶) یا ۹۵ قمری (خزرجی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۷۵۹) در مدینه به دنیا آمد. او مؤسس دومین مذهب از مذاهب چهارگانه معروف اهل سنت است. (توکلی، ۱۳۷۷ش، ص ۵۹) وی به امام اهل حجاز معروف است (ابن اثیر، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۲۶۳) و فقه مالکی منسوب به اوست. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۷۴) مالک بن انس در سال ۱۷۹ق در عصر خلافت هارون عباسی در مدینه از دنیا رفت. (ابن جوزی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۲۱) حاکم مدینه بر جنازه او نماز خواند و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. (کحاله، ۱۳۷۶ق، ج ۸، ص ۱۶۸) دوست داران او روی قبر او بنایی برپا کردند و روی قبرش ضریحی قرار دادند.

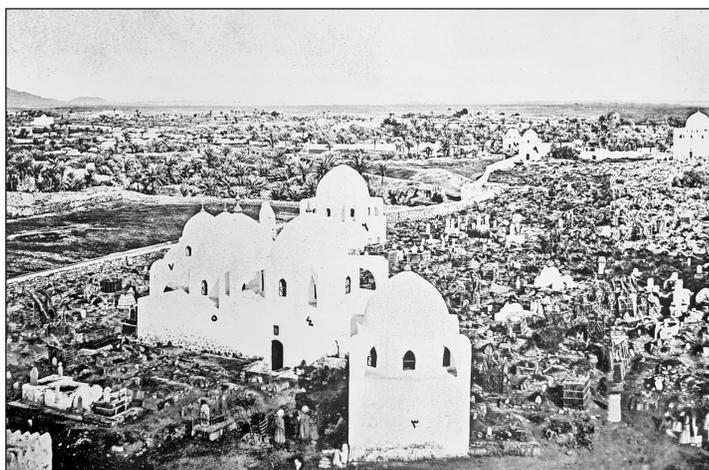
از سازنده و تاریخ ساخت بنای قبر مالک بن انس اطلاع دقیقی در دست نیست، اما با مراجعه به منابع مدینه شناسی و سفرنامه ها روشن می شود که تاریخ این ساختمان به قبل از قرن هفتم می رسد.

ابن جبیر (م ۶۱۴ق) در سفرنامه خود می گوید: «روی قبر مالک بن انس، امام مدنی، قبه ای کوچک و بنایی مختصر وجود دارد». (ابن جبیر، ۱۹۸۶م، ص ۱۴۴)

سمهودی (م ۹۱۱ق) بقعه را با این بیان معرفی کرده است: «و منها مشهد الامام ابی عبدالله مالک بن انس الاصبیحی علیه قبة صغيرة» (سمهودی، ۲۰۰۱م، ج ۳، ص ۹۲۰) صاحب عمدة الاخبار نیز یک قرن پس از سمهودی بقعه را مانند وی معرفی می‌کند. (عباسی، بی تا، ص ۱۵۶) همچنین گفته شده: «قبه امام ابی عبدالله مالک بن انس اصبیحی امام دارالهجره در قبرستان بقیع دارای ساختمانی مختصر است». (رفعت پاشا، ۱۳۱۴ق، ج ۱، ص ۴۲۶)

مقبره مالک تا قبل از تسلط آل سعود بر حجاز برپا بوده است.

در نقشه‌های موجود از وضع فعلی بقیع، که دیگر اثری از قبور باقی نمانده است، قبر مالک و نافع (از قراء سبعة) کنار هم قرار دارد و کنار هم معرفی می‌شوند؛ مثلاً سید احمد آل یاسین نقشه فعلی بقیع را در کتاب خود آورده و چنین توضیح می‌دهد: «در این مکان قبر امام مالک ابن انس... و قبر نافع مولا عبدالله بن عمر شیخ القراء قرار دارد». (خیاری، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۵)



گنبد روی قبر مالک ابن انس و نافع در قبرستان بقیع قبل از تخریب آخرین گنبد سمت چپ

تصویر با شماره ۷ مشخص شده است

همان طور که ملاحظه می شود نزدیک به بیش از هفت قرن و در مرئی و منظر فقهای مالکی و سایر مذاهب و در شهر پیامبر و دارالهجره، روی قبر مالک بن انس قبه و مقبره ای وجود داشته و هیچ یک از فقها فتوای به شرک بودن و لزوم تخریب آن نداده اند.

ج) مقبره محمد بن ادريس شافعی (۱۵۰ - ۲۰۴ ق)



مقبره شافعی و ضریح منسوب روی قبر او در مصر

محمد بن ادريس شافعی با نام کامل «محمد بن ادريس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبید بن عبدیزید بن هاشم بن عبدالمطلب بن عبدمناف» (ابن عثمان، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۸۳)، او را قُرشی، مُطلبی و شافعی خوانده اند. (ابن خلکان، بی تا، ج ۴، ص ۱۶۳) او همچنین به امام شافعی نیز شهرت دارد. (ابن کثیر، ۲۰۰۴ م، ج ۱، ص ۱۷) نسل او در عبد مناف با پیامبر اکرم ﷺ یکی می شود. (ابن خلکان، بی تا، ج ۴، ص ۱۶۳) جد شافعی به نام سائب در جنگ بدر پرچمدار بنی هاشم در سپاه مکه بود و اسیر شد. وی برای آزادی مبلغی را پرداخت کرد و پس از آن مسلمان شد. (ابن کثیر، ۲۰۰۴ م، ج ۱، ص ۱۸) مادر شافعی «فاطمه» نام داشت و بنا بر قولی از نسل امام علی عليه السلام بوده است. (ابن وزیر، ۲۰۰۰ م، ص ۷۸)



مقبره شافعی در مصر

شافعی سومین امام اهل سنت، در سال ۱۵۰ هجری (سال وفات ابوحنیفه) در غزه از شهرهای شام (فلسطین) (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۲۰۲) و به نقلی در یمن (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۱، ص ۲۷۹) به دنیا آمد.

تولد شافعی در شهر غزه از شهرت بیشتری برخوردار است. از خود شافعی نیز نقل شده است: «من در غزه متولد شدم و سپس در حالی که دو سال داشتم به مکه آورده شدم». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۷)

تمامی مورخان سال وفات شافعی را ۲۰۴ هجری در مصر ذکر کرده‌اند. مسعودی می‌نویسد:

شافعی در ایام خلافت مأمون (۱۷۰ - ۲۱۸ق) در ماه رجب، شب جمعه سال ۲۰۴ هجری وفات کرد. وی هنگام مرگ ۵۴ سال داشت. سری بن حکم، امیر مصر، براو نماز خواند. سپس در جوار قبور شهیدان در مقبره «بنی عبدالحکم»، پای جبل مقطم در قراة الصغری در فسطاط مصر به خاک سپرده شد.

(مسعودی، ۱۳۴۶ق، ج ۲، ص ۴۳۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۳۱۷)

مسجدی روی قبر او ساخته شد که کامل سلطان ایوبی در سال ۱۱۲۱ میلادی

دستور تجدید بنای آن مسجد را صادر کرد و مناره‌های بلندی شبیه مناره‌های ممالیک ساختند و بر دیوارهای آن با خط کوفی کتابت کردند.

در سال ۵۷۴ هجری قمری (۱۱۷۸ م) سلطان صلاح‌الدین ایوبی قبه‌ای را در بالای قبر امام شافعی با چوب ساخت و آیات قرآنی را که بر آن نوشته شده بود تعمیر کرد که هم‌اکنون به تربت امام شافعی مشهور است و مسجدی را نیز کنار تربت امام شافعی بنا کرد. (مزی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، صص ۳۸۱-۳۵۵؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، صص ۹۳۱-۹۰۲؛ بستی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۴۴؛ زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۶، صص ۱۷-۱۶) این ضریح به شکل مربع و مساحت داخلی آن پانزده متر و از بزرگترین ضریح‌های شهر مصر است. برای این ضریح یک مدخل وجود دارد که از طلا ساخته شده است.

در سال ۱۸۹۱ میلادی خدیو توفیق پاشا (۱۸۵۲ - ۱۸۹۲ م) دستور تجدید بنای آن را صادر کرد و تعمیر آن تا سال ۱۳۱۰ هجری ادامه داشت و هم‌اکنون مسجدی بسیار زیبا و مجلل روی قبر او ساخته شده است.

د) مقبره احمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ ق)



مقبره احمد بن حنبل در بغداد

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد شیبانی مروزی (خطیب

بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۹۰) مشهور به «احمد بن حنبل»، مؤسس مذهب حنبلی، چهارمین مذهب بزرگ اهل سنت، است. بر اساس منابع تاریخی معتبری تردید احمد بن حنبل در سمت غربی قبرستان «باب حرب» دفن شده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴۳) و قبر وی مدت ها زیارتگاه اهل سنت بوده است؛ در حالی که امروزه قبر منسوب به وی در مسجد عارف آغا، در سمت شرقی بغداد قرار دارد. (السامرائی، بی تا، ص ۱۷)

قبرستان «باب حرب»، در گذشته یکی از قبرستان های مهم بغداد بوده است. محل آن در شمال غربی شهر کهن بغداد، که آن را منصور عباسی در سمت غربی رود دجله بنا کرد، واقع بود. امروزه تنها بخشی از آن با نام قبرستان «هبنه» در شمال غربی کاظمین امروزی باقی مانده است. (راوی، بی تا، ص ۳۹)

در طول تاریخ بزرگان و مشاهیر فراوانی در قبرستان باب حرب دفن شده اند و تعدادی از آنها که از علمای حنبلی یا از دوست داران و طرفداران احمد بن حنبل بودند، وصیت می کردند تا نزدیک وی به خاک سپرده شوند. از جمله شخصیت های مشهوری که در این قبرستان دفن شده اند، می توان به علی بن هلال، معروف به ابن بؤاب (م ۴۱۲ و به قولی ۴۱۳ق) خطاط مشهور و کاتب آل بویه در بغداد، اشاره کرد. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۹، صص ۳۲۴ و ۳۲۵)

مقبره احمد بن حنبل در طول تاریخ بارها در جریان طغیان رود دجله، بر اثر بارندگی های شدید، زیر سیلاب فرورفته و تخریب شده و سپس بازسازی شده است که از آن جمله می توان به سیلاب های بزرگ سال های ۴۶۶ (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰، ص ۹۱۹۰)، ۵۵۴ (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰، ص ۲۴۸)، ۵۶۹ (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۲۰۵ و ۲۰۶) و ۶۱۴ قمری (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، صص ۲۰۵ و ۲۰۶) اشاره کرد. به علت گستردگی و فراوانی این سیلاب ها امروزه قبور مشاهیر موجود در این قبرستان از بین رفته است.

امروزه قبر منسوب به ابن حنبل در مسجد عارف آغا، سمت شرقی بغداد قرار دارد. (السامرائی، بی تا، ص ۱۷) برخی گفته اند که به دنبال جاری شدن یکی از سیلاب های رود دجله در سال ۱۹۳۷ میلادی، قبر احمد بن حنبل درون آب رودخانه قرار گرفت؛ به همین دلیل استخوان های پوسیده وی را به قبر کنونی در مسجد عارف آغا منتقل کردند! (السامرائی، بی تا، ص ۱۷) اما مصطفی جواد این ادعا را نپذیرفته و گفته است که قبر احمد بن حنبل تا قرن یازدهم هجری از بین رفته و در این قرن اثری از قبر وی باقی نمانده بود. (جواد، بی تا، ص ۲۱۰؛ راوی، بی تا، ص ۳۹) همچنین پژوهشگران عراقی تأکید دارند قبری که در جریان سیلاب رود دجله در دوره های اخیر از بین رفت، قبر ابن حنبل نبوده است؛ بلکه قبر فرزند وی، عبدالله بن احمد بن حنبل، بوده که در قبرستان باب التبن قرار داشته است. (جواد، بی تا، ص ۲۱۰؛ راوی، بی تا، ص ۳۹)

با اینکه مکان قبر ابن حنبل دقیقاً مشخص نیست، اما با احتمال وجود استخوان های او در آن مکان، روی آن قبر مسجد ساختند و روی قبر ضریح قرار دادند و آن را زیارت می کنند و به او توسل می جویند.

۶. ساخت بنا بر قبور محدثین اهل سنت

الف) محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ق)



مسجد موجود بر قبر بخاری در کشور ازبکستان

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم جُعیفی، معروف به بُخاری، در ۱۳ شوال ۱۹۴ قمری در خرتنگ (از روستاهای بخارا) به دنیا آمد. (صفدی، ۱۳۹۴ق، ج ۲، ص ۲۰۷؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰؛ قسطلانی، ۱۳۰۵ق، ج ۱، ص ۳۱) او از کودکی به خاطر حافظه قوی‌ای که داشت در بخارا مشغول تحصیل شد و به حفظ و جمع‌آوری حدیث پرداخت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰؛ ابن حجر هیتمی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴۸۶) پیروان مذاهب اربعه درباره مذهب او اختلاف کرده‌اند، اما سبکی او را پیرو مذهب امام شافعی دانسته با ترجمه حال او وی را از زمره رجال شافعی آورده است. (سبکی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۲)

وی در سال ۲۵۶ قمری در ۲۵ کیلومتری شهر سمرقند از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، صص ۱۷۱-۱۶۸) دوست داران او روی قبرش بنایی برپا کردند. این بنا پیوسته پا برجا بود تا زمانی که «سوکارنو»، رئیس جمهور اندونزی، به اتحاد جماهیر شوروی سفر کرد و از مقبره بخاری که در حال خرابی بود زیارت کرد. دولت جمهوری ازبکستان نیز به فکر تعمیر آن برآمد. با استقلال ازبکستان از شوروی، دولت توجه جدی به این بنای تاریخی کرده و در سال ۱۹۹۷ مصوبه‌ای برای تجلیل از ۱۲۲۵ سالگی تولد او تصویب و در پاییز همان سال سازمان جهانی یونسکو هم مصوبه‌ای را تصویب کرد و در سال ۱۹۹۸ میلادی بزرگداشت او برگزار شد و یک بنای مجللی روی قبر او با معماری محلی در فضایی به مساحت ده هکتار برپا شد. (وفایی، ۱۳۸۴، صص ۹۰-۸۵)

ب) مسلم بن حجاج نیشابوری (۲۰۶ - ۲۶۱)



ابوالحسین، مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری، معروف به امام مسلم، از مهم‌ترین علمای اهل حدیث نزد اهل سنت، نویسنده کتاب صحیح مسلم، یکی از صحاح سته اهل سنت، است. مسلم در ۲۵ رجب سال ۲۶۱ قمری در زادگاهش نیشابور، دارفانی را وداع گفت و در نصرآباد نیشابور در آغوش خاک آرام گرفت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۰۴؛ ابی یعلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۹) آرامگاه او در نزدیکی قبرفضل بن شاذان نیشابوری است.

درباره مذهب فقهی مسلم اختلاف نظر است؛ برخی او را حنبلی، (ابن ابی یعلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۷) گروهی او را مالکی (مشهور حسن، بی تا، صص ۴۷ - ۴۶) و عده‌ای او را شافعی دانسته‌اند. (همان) او از نظر مذهب کلامی، سلفی مذهب است؛ چراکه او در این زمینه از اساتیدی نظیر بخاری، ابن حنبل، ابن راهویه و ابوزرعه رازی بهره داشت. او بسان سلفیه به ائمه اهل سنت علاقه ویژه‌ای دارد و ضمن اعتقاد به مقام علو برای خدای تعالی، همپای بخاری به خلق قرآن باورمند است. (همان)

با اینکه او دارای مکتب سلفی است و سلفی‌ها با بنای بر قبور مخالفند، ولی روی قبر او بنا ساخته‌اند.

ج) امام محمد بن عیسیٰ ترمذی (۲۱۰ - ۲۷۹ ق)

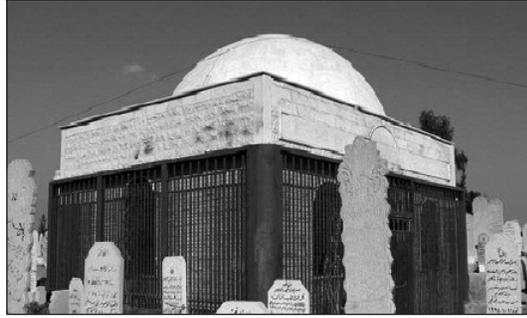


آرامگاه ترمذی در کشور ازبکستان، شهر ترمذ استان ترخان دریا

ابوعیسی محمد بن عیسی ابن سوره بن موسی بن ضحاک السلمی الترمذی، معروف به امام الترمذی، نویسنده کتاب سنن ترمذی، یکی از صحاح سته اهل سنت است. وی در شهر ترمذ زاده شد (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۴) و بنا بر مشهور در سال ۲۷۹ قمری در همان جا درگذشت. (ذهبی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص ۲۷۱) روی قبر او بنای زیبایی ساخته شده است.

د) ابوداود سجستانی (۲۰۲ - ۲۷۵)

ابوداود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشر بن شداد بن عمرو بن عمران ازدی سجستانی، منسوب به سجستان، (سیستان) است. کتاب سنن ابی داود، از صحاح سته، از آثار او است. وی در سال ۲۷۵ قمری در شهر بصره از دنیا رفت. حاکم بصره، عباس بن عبدالواحد هاشمی، بر او نماز خواند و کنار سفیان ثوری به خاک سپرده شد. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۶۰؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۲، ص ۱۹۶؛ ابن کثیر، ۲۰۰۴ م، ج ۱۱، ص ۵۵)



مقبره سفیان ثوری و ابوداود سجستانی در بصره

هـ) نسائی (۲۱۴ - ۳۰۳)

ابوعبدالرحمان، احمد بن علی بن شعیب نسائی، محدث معروف و مؤلف یکی از صحاح سته اهل سنت، در سال ۲۱۴ یا ۲۱۵ قمری در شهر نسا به دنیا آمد. (سیوطی، ۲۰۱۱م، ج ۱، مقدمه ۱) در سال وفات نسائی، بین منابع، چندان اختلافی به چشم نمی خورد و عموماً سال وفات او را سال ۳۰۳ قمری نوشته اند؛ (باقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۲۸۲) ماه وفات او را برخی ماه شعبان و برخی ماه صفر همین سال نوشته اند. (صفدی، ۱۴۰۱ج ۶، ص ۴۱۶). ابن اثیر در اول جامع الأصول می گوید: او شافعی مذهب بود؛ چنان که مناسک او بر آن دلالت می کند. (ابن اثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۱۳۰)

در پی دفاع نسائی از امام علی علیه السلام و نکوهش معاویه، اهل دمشق بر اثر این سخن، به شدت به او طعنه و کتک زدند و او به همین دلیل در مکه از دنیا رفت (سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۳، ص ۸۴) و بین صفا و مروه دفن شد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۵۶) برخی نیز معتقدند که به همین دلیل در فلسطین از دنیا رفت (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۵۶) و در بیت المقدس دفن شد. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۲۴) برخی نیز می گویند: در رمله شام از دنیا رفت و در آنجا دفن شد، (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۵۶).

همان طور که ملاحظه می شود، ساختن بنا روی قبور از نظر زمانی از صدر اسلام تا به امروز ادامه داشته است و از نظر مذهبی هم میان همه مذاهب اسلامی محل توجه بوده است و اختصاص به مذهب خاصی ندارد و از بعد منطقه ای هم از گسترش وسیعی برخوردار است؛ از مناطقی که در طول تاریخ در دست اهل سنت بوده و حاکمان سنی بر آنها حکومت می کرده اند. تا مناطق شیعه نشین - مانند ایران و عراق - این بناها وجود داشته است.

نتیجه گیری

با توجه به مبانی نظری قرآنی و روایی، بنای بر قبور یک امر جایز و پسندیده است و آنچه از روایات برای تحریم این عمل اقامه شده است، هیچ ارتباطی با عمل و انگیزه مسلمانان از بنای بر قبور ندارد.

میقات

بنای بر قبور از زمان حیات پیامبر خدا ﷺ انجام می گرفته و هیچ گونه ردع و منعی از سوی ایشان صورت نگرفته است و بعد از پیامبر خدا ﷺ از سده نخستین ظهور آئین اسلام، مصادیق زیادی از ساخت بناهایی روی قبور و نیز ساخت مقبره به چشم می خورد. این مسئله قرن های متمادی در پیش چشم مسلمانان روی می داده است در حالی که هیچ یک از عالمان و بزرگان، چه شیعه و چه سنی به این ساخت و سازها اعتراضی نداشته اند و کسی معتقد نبوده که این کار شرک است و مسلمانان را به پرستش غیر خدا می کشاند.

عدم اعتراض مسلمانان به این تجدید بناها و گسترش بنای مرقد، نشان دهنده مشروع بودن این کار و متصل بودن عملکرد و سیره مسلمانان به زمان پیامبر و جواز بنای بر قبور است. (سبحانی، بی تا، صص ۸۰-۷۹)

منايع

* قرآن كريم

١. ابن اثير، على بن أحمد بن أبي الكرام، (١٣٧١ش)، الكامل في التاريخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خليلي، تهران، مؤسسه مطبوعاتي علمي.
٢. -----، (١٤١٥ق)، الكامل في التاريخ، تحقيق عبدالله قاضي، بيروت، دارالكتب العلمية.
٣. ابن ابي يعلى، محمد بن ابي يعلى، (بي تا)، طبقات الحنابلة، بيروت، دارالمعرفة.
٤. ابن اثير، مبارك بن محمد، (١٤١٥ق)، اسدالغابة في معرفة الصحابة، تحقيق علي محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلمية.
٥. -----، (١٤٢٥)، جامع الاصول في احاديث الرسول، تحقيق عبدالقادر ارناووط، بيروت، دارالفكر.
٦. -----، (١٤٢٤ق)، المختار من مناقب الاخيار، امارات، مركز زايد للتراث و التاريخ.
٧. ابن اسحاق، محمد، (١٣٩٨ق)، السير و المغازي، به كوشش سهيل زكار، دمشق.
٨. ابن اعثم كوفي، احمد بن علي، (١٣٩٢ق)، كتاب الفتوح، حيدرآباد دكن.
٩. ابن الفوطي، عبدالرزاق بن احمد، (١٣٥١ق)، الحوادث الجامعة و التجارب النافعة في المائة السابعة، بغداد، المكتبة نعمان الاعظمي.
١٠. ابن بطوطة، محمد بن عبدالله، (١٤١٧ق)، تحفة النظار في غرائب الامصار و عجائب الاسفار رحلة ابن بطوطة، به كوشش التازي، الرباط، المملكة المغربية.
١١. ابن جبير اندلسي، محمد بن احمد، (١٩٨٦م)، رحلة ابن جبير، بيروت، دار مكتبة الهلال.
١٢. ابن جوزي، عبدالرحمان بن علي، (١٤٥٦ق)، صفة الصفوة، به كوشش محمود فاخوري و محمد رواس قلعه جي، بيروت.
١٣. -----، (١٤١٢ق)، المتظم في تاريخ الملوك و الأمم، تحقيق عطا، محمد عبدالقادر و عطا، مصطفى عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول.
١٤. ابن حبان، محمد بن حبان، (١٤٢٨ق)، تقريب الثقات، بيروت، دارالمعرفة.
١٥. ابن حجر عسقلاني، أحمد بن علي (١٤١٥ق)، تهذيب التهذيب، به كوشش مصطفى، بيروت، دارالكتب العلمية.

١٦. -----، (١٤١٥ق)، الإصابة في تمييز الصحابة، به كوشش على معوض و عادل عبدالموجود، بيروت، دار الكتب العلمية.
١٧. -----، (١٣٧٩ق)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، دارالمعرفة.
١٨. ابن حجرهيتمي، احمد بن محمد (١٣٨٥)، الصواعق المحرقة في الرد على أهل البدع و الزندقة، قاهره، چاپ عبدالوهاب عبداللطيف.
١٩. ابن حنبل، احمد بن محمد، (١٤١٦ق)، مسند الامام حنبل، تحقيق احمد محمد شاكر، قاهره، دارالحديث.
٢٠. ابن حوراني، عثمان بن احمد، (١٩٨١م)، زيارات الشام، دمشق، مكتبة الغزالي،
٢١. ابن خلكان، احمد بن محمد، (بي تا)، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار الفكر.
٢٢. ابن خياط، خليفة بن خياط، (١٤١١ق)، تاريخ خليفة، به كوشش زكار، بيروت، دار الفكر،
٢٣. ابن زباله، محمد بن حسن، (٢٠٠٣)، اخبار المدينة، تحقيق صلاح عبدالعزيز زين السلامه، مدينه منوره، مركز بحوث و دراسات المدينه المنوره.
٢٤. ابن سعد، محمد بن سعد، (١٩٦٨م)، الطبقات الكبرى، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٥. -----، (١٤١٥ق)، الطبقات الكبرى، دار صادر، تحقيق عطا، محمد عبدالقادر، دار صادر.
٢٦. ابن شبة نميري، عمر بن شبة، (١٤١٥)، تاريخ المدينة المنورة، تصحيح فهيم شلتوت، قم، دارالفكر.
٢٧. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، (١٤٢١ق)، مناقب آل أبي طالب، بيروت، ذوى القربى.
٢٨. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤١٢ق)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، به كوشش البجاوي، بيروت، دار الجيل.
٢٩. ابن عساکر، علي بن حسن، (١٤٠٦ق)، تاريخ مدينة دمشق، به كوشش شكرى فيصل، دمشق.
٣٠. ابن عيسى البلوي، خالد بن عيسى، (بي تا)، تاج المفرق في تحلية علماء المشرق، تحقيق الحسن السائح، الرباط، مطبعة فضالة.
٣١. ابن فارس، احمد بن فارس، (١٤١٤ق)، معجم مقاييس اللغة، بيروت، مكتب الاعلام الاسلامي.

۳۲. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (۱۴۰۸ق)، البداية والنهاية فى التاريخ، به كوشش على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۳۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت، دارصادر.
۳۴. ابن نجار، محمد بن محمود، (۲۰۰۶)، الدرر الثمينه فى اخبار المدينة، تصحيح صلاح الدين بن عباس شكر، مدينه، مركز بحوث ودراسات المدينة المنوره.
۳۵. ابن نديم، محمد بن اسحاق، (۱۳۹۴ش)، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران، دنيای کتاب.
۳۶. ابن هشام، عبد الملك بن هشام (۱۳۸۳ق)، السيرة النبوية، به كوشش محمد محيى الدين، مصر، مكتبة محمد على صبيح.
۳۷. ابن عثمان، موفق الدين، (۱۴۱۵ق)، مرشد الزوار إلى قبور الأبرار المسمى الدرر المنظم فى زيارة الجبل المقطم، مقدمه: حسن باشا، تحقيق محمد فتحى ابوبكر، قاهره، الدار المصرية اللبنانية.
۳۸. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (۲۰۰۴م)، طبقات الشافعية، تصحيح عبد الحفيظ منصور، بيروت، دار المدار الإسلامى.
۳۹. ابوزرعه دمشقى، عبد الرحمان بن عمرو، (۱۴۰۰ق)، تاريخ ابى ذرعة الدمشقى، به كوشش شكر الله بن نعمت الله قوجانى، دمشق.
۴۰. ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۸ق)، معرفة الصحابة، به كوشش محمد راضى حاج عثمان، رياض.
۴۱. ابى ازهرى، صالح عبد السميع، (بى تا)، الثمر الدانى (شرح رسالة ابن أبى زيد القيروانى)، بيروت، الثقافيه.
۴۲. اخبار الدولة العباسية، (۱۹۷۱م)، تحقيق دورى، عبدالعزيز و مطلبى، عبد الجبار، بيروت، دار الطبعة للطباعة والنشر.
۴۳. ازدى، محمد بن عبدالله، (۱۹۷۰م)، تاريخ فتوح الشام، به كوشش عبد المنعم عامر، قاهره.
۴۴. اصفهانى، راغب (۱۳۷۵ش)، مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضى
۴۵. امين عاملى، سيد محسن، (۱۳۸۲ق)، كشف الارتياح فى اتباع محمد بن عبد الوهاب، بيروت، منشورات مكتبة الامين.

٤٦. امين، سيد حسن، (بى تا)، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعاريف للمطبوعات.
٤٧. البجيرمى، سليمان بن محمد، (١٤١٧ق)، تحفة الحبيب على شرح الخطيب، بيروت، دارالكتب العلمية.
٤٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، (١٤٠٧ق)، صحيح البخارى، به كوشش مصطفى ديب البغا، بيروت، دار ابن كثير اليمامة.
٤٩. -----، (بى تا)، مقدمة صحيح البخارى، مصر، إدارة الطباعة المنيرية.
٥٠. بلاذرى، احمد بن يحيى، (١٩٥٩م)، انساب الاشراف، به كوشش محمد حميد الله، قاهره.
٥١. -----، (؟؟)، انساب الاشراف، ج ٢، نسخه خطى كتابخانه عاشرافندى استانبول، شم ٥٩٨.
٥٢. -----، (١٩٥٦م)، فتوح البلدان، به كوشش صلاح الدين منجد، قاهره.
٥٣. الترمذى، محمد بن عيسى، (١٤٠٣ق)، سنن الترمذى، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دارالفكر.
٥٤. ترمذى، محمد، (١٤٠٦ق/١٩٨٦م)، تسمية اصحاب رسول الله ﷺ، به كوشش عمادالدين احمد حيدر، بيروت.
٥٥. توكلى، محمد رؤف، (١٣٧٧ش)، چهار امام اهل سنت و جماعت، بى جا، توكلى.
٥٦. جعفرى، سيد حسين محمد، (١٣٧٤ش)، تشيع در مسير تاريخ، ترجمه محمد تقى آيت اللهى، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چاپ هشتم.
٥٧. جواد، مصطفى، سوسه، احمد، (بى تا)، دليل خارطة بغداد المفصل، بغداد، مجمع العلمى العراقى.
٥٨. چلبى، اولياء، (١٩٩٩م)، الرحلة الحجازية، ترجمه صفصاوى احمد مرسى، قاهره، دارالآفاق العربية.
٥٩. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤٠٦ق)، المستدرک على الصحيحين، به كوشش مرعشلى، بيروت، دار المعرفة.
٦٠. حرز الدين، محمد، (١٣٧١ش)، مرآة المعارف، قم، منشورات سعيد بن جبیر.
٦١. خزرجى، على بن حسن، (١٤٣٠ق)، العقد الفاخر الحسن فى طبقات اكابر اهل اليمن، صنعاء، مكتبة الجيل الجديد.

۶۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶۳. خطیب عمری، یاسین بن خیرالله، (۱۹۶۸م)، غایة المرام تاریخ محاسن بغداد دارالسلام، بغداد، البصری.
۶۴. الخوند، المسعود، (بی تا)، الموسوعة التاريخية الجغرافية، بیروت، دارروا النهضه.
۶۵. خیارى، احمد یاسین احمد، (۱۴۱۹ق)، تاریخ المعالم المدینة المنورة، المملكة العربية السعودية. الأمانة العامة للإحتفال بمرور مائة عام على تأسيس المملكة.
۶۶. دمیاطی، البکر، (۱۴۱۸ق)، حاشية اعانة الطالبین، بیروت، دار الفکر.
۶۷. ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ق)، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعيب ارزووط وديگران، بیروت.
۶۸. راغب اصفهانی، حسین بومحمد، (۱۹۹۷) مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، بیروت، الدار الشامیة.
۶۹. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۴ش)، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، تهران، امیر کبیر.
۷۰. راوی، محمد سعید، (بی تا)، خیر الزاد فی تاریخ مساجد و جوامع بغداد، بغداد، دیوان الوقف السنی. مرکز البحوث و الدراسات الاسلامیه.
۷۱. رسولی محلاتی، سیدهاشم، (بی تا)، تاریخ انبیا، تهران، العلمیه الاسلامیه.
۷۲. رفعت پاشا، ابراهیم، (۱۳۴۴ق)، مرآة الحرمين، مصر، دارالکتب المصریه.
۷۳. زبیری، مصعب بن عبدالله، (بی تا)، نسب قریش، به کوشش پروفسال، قاهره، دارالمعارف.
۷۴. زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۹م)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ط الثامنہ.
۷۵. السامرائی، یونس الشیخ ابراهیم، (بی تا)، مراقد بغداد، بغداد، مکتبه الشرق الجدید.
۷۶. سبحانی، جعفر، (بی تا)، صيانة الآثار الاسلامية، تهران، مشعر.
۷۷. -----، (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷۸. سبکی، عبدالوهاب بن علی (بی تا)، طبقات الشافعية الكبرى، مصر.
۷۹. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۳۸۲ق)، الانساب، تحقیق، معلمی یمان، عبدالرحمان بن یحیی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، چاپ اول.

٨٠. سمهودى، على بن عبدالله، (٢٠٠١)، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفى، تحقيق قاسم سامرائى، مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامى.
٨١. سيوطى، عبدالرحمن، (٢٠١١م)، شرح سنن النسائى، بيروت، دارالمعرفة.
٨٢. شلبى، ابوزيد، (١٩٣٣م)، تاريخ سيف الله خالد بن الوليد البطل الفاتح، قاهره.
٨٣. شوشترى، قاضى نورالدين، (١٣٧٦ش)، مجالس المؤمنين، تهران، كتاب فروشى اسلاميه.
٨٤. شيخ صدوق، محمد بن على، (١٣٦٢ش)، الامالى، قم، جامعه المدرسين.
٨٥. صفدى، خليل بن ابيك، (١٤٠١ق)، الوافى بالوفيات، بيروت، دارالنشر.
٨٦. -----، (١٣٩٤ق)، الوافى بالوفيات، چاپ سديدرينغ، ويسبادن.
٨٧. طباطبائى حكيم، محمدتقى، (١٤١٨ق)، الاصول العامة للفقهاء المقارن، قم، مجمع جهانى تقريب بين مذاهب.
٨٨. طبرى، محمد بن جرير، (١٣٨٧ق)، تاريخ الطبرى (الرسل و الملوك)، تحقيق محمد أبوالفضل ابراهيم، بيروت، دار سويدان.
٨٩. طريحي، فخرالدين بن محمد، (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، مصحح حسين اشكورى و احمد مرتضو، تهران.
٩٠. طوسى، محمد بن الحسن، (١٤٠٧ق)، تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، تصحيح خراسان، حسن الموسوى، دارالكتب الإسلاميه، تهران.
٩١. عباسى، احمد بن عبدالحميد، (بى تا)، عمدة الاخبار فى مدينة المختار، المدينة المنورة، اسعد طرابزونى الحسينى.
٩٢. عمادزاده، حسين، (١٣٦٦ش)، تاريخ انبياء، تهران، كتابفروشى اسلام.
٩٣. عليمى، عبدالرحمان بن محمد، (١٩٦٨م)، الانس الجليل بتاريخ القدس والخليل، نجف، مطبعة الحيدرية.
٩٤. العينى، محمود بن احمد، (؟؟)، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٩٥. الغمارى، عبدالله الصديق، (١٤٢٩ق)، احياء المقبور من ادلة جواز بناء المساجد، قاهره، مكتبة قاهره.
٩٦. الفاسى، محمد بن الطيب، (٢٠١٤)، الرحلة الحجازية، تحقيق نورالدين شوبيد، ابوظبى،

دارالسويدى للنشرو توزيع.

٩٧. فتال نيشابورى، محمد بن احمد، (١٣٨٣ش)، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، قم، انتشارات رضى.

٩٨. القسطلانى، احمد بن محمد، (٢٠٠٧م)، ارشاد السارى لشرح صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر.

٩٩. قمى، عباس، (١٩٧٥م) الكنى واللقاب، نجف الاشرف، المطبعة الحيدرية.

١٠٠. كحاله، عمرضا، (١٣٧٦ق)، معجم المؤلفين، بيروت، دارإحياء التراث العربى.

١٠١. كلبى، هشام بن محمد، (١٤٠٧ق)، جمهرة النسب، به كوشش ناجى حسن، بيروت.

١٠٢. المزى، يوسف، (١٤١٤ق)، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، بيروت، دارالفكر.

١٠٣. مسعودى، على بن الحسين، (١٣٤٦ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مصر، مطبعة البهية المصرية.

١٠٤. -----، (١٣٨٢)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاينده، تهران، علمى و فرهنگى، چاپ هفتم.

١٠٥. -----، (١٣٨٤ش)، اثبات الوصية، قم، انصاريان.

١٠٦. مسلم بن حجاج، (١٣٢٩ق)، الجامع الصحيح (صحيح مسلم)، تصحيح اسماعيل بن احمد طرابلسى، دارالطباعه العامره.

١٠٧. مشهور حسن، محمود سلمان، (بى تا)، اعلام المساعين الامام مسلم بن الحجاج، دمشق، دارالقلم.

١٠٨. مصاحبه هادى الجبورى، توليت مقبره سلمان فارسى.

١٠٩. مفيد، محمد بن محمد (شيخ مفيد)، (١٤١٣ق)، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسسه آل البيت لإحياء التراث، دارالمفيد.

١١٠. مقدم، كاظم، (١٣٨٢ش)، تاريخ انبياء، قم، نشر محدث.

١١١. مهاجرانى، سيد عطاء الله، (١٣٨٧ش)، تهران، اطلاعات.

١١٢. ناصر خسرو، (١٣٥٣ش)، سفرنامه، تهران، بى تا.

١١٣. نسائى، أحمد بن شعيب، (١٤١١ق)، السنن الكبرى (سنن النسائى)، به كوشش عبدالغفار و سيد كسروى، بيروت، دارالكتب العلميه.

۱۱۴. نعیمی، عبدالقادر بن محمد، (۱۴۱۰ق)، الدارس فی تاریخ المدارس، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۱۵. وزیر، ابراهیم بن علی، (۲۰۰۰م)، الامام الشافعی، واشنگتن، منشورات کتاب.
۱۱۶. وفایی، عباس، گروه نویسندگان، (۱۳۸۶ش)، سیمای فرهنگی ازبکستان، تاشکند، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات بین المللی المهدی.
۱۱۷. هارون و هومن، (۱۳۸۳ش)، سرزمین مقدس از نگاه مسافران تاریخ، تهران، گوهر منظوم.
۱۱۸. الهروری، علی بن ابی بکر، (۱۹۵۳م)، الاشارات الی معرفة الزیارات، به کوشش جانین سوردیل و طومین، المعهد الفرنسی بدمشق.
۱۱۹. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۲۰. -----، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، چاپ دوم.
۱۲۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

